



افزایش درآمدهای نفتی و جایگاه بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات در ایجاد اشتغال در ایران

دکتر ابوالفضل یحیی آبادی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

چکیده:

اکنون که حل مسئله اشتغال و کاهش بیکاری یکی از رئوس اصلی اهداف دولت بوده و درآمدهای ارزی کشور به لحاظ افزایش قیمت نفت افزایش یافته، این فرصت فراهم آمده که سرمایه گذاری های بیشتری به منظور افزایش فرصت های شغلی در بخش های مختلف اقتصادی صورت گیرد در این راستا مقاله حاضر به بررسی جایگاه بخش های اقتصادی در افزایش اشتغال و اینکه کدامیک از بخش های مذکور توان اشتغال زایی بیشتری دارد پرداخته و پس از مروری بر ادبیات نظری و ادبیات تجربی و انجام تحلیل موضوع برای اقتصاد ایران این نتیجه حاصل گردید که اهمیت نسبی بخش صنعت در رشد اقتصادی و رشد اشتغال بیشتر می باشد به عبارت دیگر بخش صنعت در مقایسه با دیگر بخش ها هم نقش موثرتری در رشد اقتصادی داشته و هم در جذب نیروی کار. همچنین رشد اشتغال در بخش خدمات بطور موثر و معنی داری باعث کاهش نرخ بیکاری گردیده است.

از سوی دیگر نظر به متفاوت بودن توان اشتغال زایی بخش های مختلف، اولویت انجام سرمایه گذاری به ترتیب بخش صنعت، بخش خدمات و بخش کشاورزی کشور می باشد.



مقدمه:

نظر به اهمیت موضوع اشتغال به خصوص در شرایط حاضر که اقتصاد ایران با معضل بیکاری روبرو می باشد، این مقاله به بررسی نقش و جایگاه بخش های اقتصادی در افزایش اشتغال و اینکه کدامیک از بخش های مذکور، نقش موثرتری در کاهش بیکاری در اقتصاد ایران دارد، پرداخته است. به عبارت دیگر با استفاده از نظریات موجود و مطالعات تجربی صورت گرفته، مشخص خواهد شد کدامیک از بخش های اقتصاد می تواند سریعتر و کارا تر افراد بیکار را جذب کند و اساساً سرمایه گذاری بیشتر در کدامیک از این بخش ها برای ایجاد شغل و کاهش بیکاری توصیه می شود. در ادامه به این موضوع پرداخته خواهد شد که با افزایش قیمت نفت و درآمدهای ارزی کشور این فرصت فراهم شده که سرمایه گذاری های بیشتری برای ایجاد شغل و کاهش بیکاری در کشور صورت گیرد.

بیان مسئله:

اهمیت و حساسیت مسئله بیکاری در دهه های گذشته هر دو گروه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را به خود مشغول داشته است. بطوریکه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نرخ بالای بیکاری از مهمترین نشانه های توسعه نیافتگی آنها می باشد. تجربیات گذشته حاکی از این واقعیت است که پیامدهای منفی اجتماعی، بهداشتی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی بیکاری کم اهمیت تر از پیامدهای اقتصادی آن نیست.

یکی از پیامدهای اجتماعی - اقتصادی بیکاری، گسترش فقر در جامعه است. در حقیقت یکی از راهکارهای اساسی برای کاهش فقر و نابرابری در کشورهای به خصوص کمتر توسعه یافته، فراهم آوردن فرصت های شغلی و گسترش اشتغال می باشد. به همین علت است که هر گونه سیاست پیشنهادی در خصوص فقرزدایی باید موضوع اشتغال را نیز در برداشته باشد. صرف نظر از پیامدهای منفی غیر اقتصادی بیکاری، روشن است هر چه سطح اشتغال در کشور بالاتر باشد، در حقیقت تولید ملی و در نتیجه تولید سرانه بیشتر و با فرض ثابت بودن سایر شرایط، سطح رفاه جامعه بالاتر خواهد بود.

بدیهی است ایجاد شغل در هر یک از بخش های اقتصادی، نیاز به سرمایه گذاری دارد. حال مسئله این است که با عنایت به مبانی نظری علم اقتصاد و مطالعات تجربی صورت گرفته در خصوص مقوله اشتغال، اولویت سرمایه گذاری برای ایجاد مشاغل جدید در هر یک از بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات چگونه می باشد زیرا با افزایش درآمدهای ارزی کشور از محل صدور نفت خام اکنون این فرصت فراهم شده که سرمایه گذاری های بیشتری برای ایجاد فرصت های شغلی در کشور صورت گیرد و نرخ بیکاری کاهش یابد.

مروری بر ادبیات نظری:

اکثر صاحب نظران و اندیشمندان اقتصاد در خصوص اینکه کدامیک از بخش های مختلف اقتصاد توان بالاتری برای ایجاد مشاغل جدید دارند، بر این نکته تاکید می کنند که بخش صنعت در مقایسه با بخش کشاورزی از توان بیشتری در این خصوص برخوردار می باشد. صنعتی شدن بزرگترین هدف توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه می باشد. همچنین در فرایند صنعتی شدن، رشد اقتصادی باید همراه با تغییرات ساختاری باشد که در آن سهم نسبی بخش های مختلف در طول زمان تغییر می یابد. یعنی از اهمیت نسبی بخش کشاورزی کاسته و بر اهمیت نسبی بخش های صنعت و



خدمات افزوده خواهد شد. این اهمیت نسبی هم مربوط به تولید و هم مربوط به عوامل تولید مورد استفاده در فرایند تولید و از جمله عامل نیروی کار می باشد. در این خصوص می توان از اقتصاددانی همچون چنری^۱، کوزنتس^۲، روستو^۳، آرتور لوئیس و نورکس نام برد.

خلاصه آن که از نظر اقتصاد دانان مذکور، اولاً حرکت اقتصاد به سمت صنعتی شدن و گسترش بخش صنعت یک اصل اساسی می باشد و ثانیاً در خلال جریان توسعه، اهمیت نسبی بخش های عمده اقتصاد در افزایش رشد اقتصادی و جذب نیروی کار تغییر می یابد و در این میان بخش صنعت در مقایسه با بخش کشاورزی، نقش موثرتری در افزایش رشد اقتصادی و هم نقش موثرتری در افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری ایفا می کند. ثالثاً در جریان این فرایند، توجه به برخی عوامل که می تواند موجبات افزایش سطح اشتغال را فراهم آورد ضروری می باشد.

این عوامل عبارتند از: حذف انحرافات قیمت های عوامل تولید، انتخاب تکنولوژی های مناسب، تغییر نظام آموزش فنی و حرفه ای در جهت تعدیل ارتباط میان آموزش و شغل، بهره وری نیروی کار، تغییر یا کشف مزیت های نسبی (در نتیجه تغییر ترکیب صادرات)، اصلاحات در زمینه اقتصاد خرد و استفاده کامل از ظرفیت بهره برداری.

مروری بر ادبیات تجربی

مطالعه کوزنتس:

کوزنتس در قالب مطالعات مربوط به رشد نوین اقتصادی، تحقیقات بسیار مفیدی در مورد کشورهای توسعه یافته انجام داد. نتیجه کار به این صورت بود که در بسیاری از کشورهای مورد مطالعه، از سهم عامل نیروی کار در تولید محصولات کشاورزی کاسته شده در حالیکه سهم نیروی کار شاغل در بخش صنعت تمام کشورهای مورد مطالعه، روند صعودی داشته است.

مطالعه گلاین و رتورن^۴

یکی از معادلات مورد استفاده در این مطالعه، تابعی است که در آن متوسط افزایش سالانه در نرخ بیکاری را بصورت تابعی از تغییر در نرخ رشد جمعیت، تغییر در نرخ رشد اشتغال در بخش صنعت و تغییر در نرخ رشد اشتغال در بخش خدمات در نظر می گیرد. بطوری که رابطه میان متوسط افزایش سالانه در نرخ بیکاری با متغیر تغییر در نرخ جمعیت مثبت و با دو متغیر دیگر منفی می باشد. شکل ضمنی این تابع بصورت زیر در نظر گرفته شده است $U=f(P, I, S)$ که در آن U عبارت است از متوسط افزایش سالانه در نرخ بیکاری، I تغییر در نرخ رشد اشتغال در بخش صنعت و S تغییر در نرخ اشتغال در بخش خدمات و P تغییر در نرخ رشد جمعیت.

گلاین و رتورن با تخمین معادله فوق برای نوزده کشور عضو OECD به این نتیجه رسیده اند که یک درصد در سال کاهش در مشاغل صنعتی پیش بینی شده منجر به افزایش ۰/۲۳ درصد بیکاری در سال می شود. در حالی که این رقم برای بخش خدمات حدود ۱۱ درصد بوده است یعنی در حدود نصف آن در بخش صنعت.

24- Chenery

25-Kuznets

26-Rostow

27-Andrew Glyn and Bob Rowthorn



مطالعه کورن وال و کورن وال^۵

کورن وال و کورن وال (۱۹۹۳) در مطالعه ای در خصوص نظریه رشد و ساختار اقتصاد، الگویی بر حسب درآمد سرانه و جمعیت و نیروی کار در نظر می گیرد. همچنین کشش درآمدی بخش تقاضا، تابعی است از سطح درآمد سرانه بطوریکه ضریب مذکور منعکس کننده الگوی تقاضای مشاهده شده برای محصول سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات می باشد. نرخ رشد تقاضا برای تولید هر یک از بخش ها هم بستگی به کشش درآمدی تقاضای بخش مربوطه دارد و هم بستگی به نرخ رشد درآمد سرانه (متوسط نرخ رشد بهره وری) دارد. در یک سیستم حاکم توزیع نیروی کار میان بخش های مختلف، نرخ رشد عرضه محصول هر بخش برابر است با نرخ رشد بهره وری در آن بخش. اگر در یک بخش رشد تقاضا بر رشد بهره وری پیشی بگیرد، نیروی کار به آن بخش منتقل خواهد شد. بر این اساس بطور کلی بخش های با نسبت کشش به رشد بهره وری پایین تر، نیروی کار خود را به نفع بخش های با نسبت بزرگتر کشش به رشد بهره وری ($\frac{\mathcal{E}}{r}$) از دست می دهند. این مطلب الگوی مشهور تغییر سهم های اشتغال بخشی به هنگام افزایش درآمد را به خاطر می آورد.

بر این اساس واضح است که نیروی کار به بخش a منتقل خواهد شد اگر که $\frac{\mathcal{E}_a}{r_a} > \frac{\mathcal{E}_i}{r_i}$ باشد. ویژگی توابع کشش و فرض ثابت بودن نرخ های رشد بهره وری، کافی است این اطمینان را بوجود آورد که به هنگام افزایش درآمد، نسبت کشش به رشد بهره وری مربوط به بخش کشاورزی در مقایسه با بخش صنعت کاهش یافته و بنابراین نیروی کار به بخش صنعت انتقال یابد. هنگامی که افزایش درآمد ادامه پیدا می کند، نسبت کشش به رشد بهره وری ($\frac{\mathcal{E}}{r}$) بخش خدمات افزایش یافته در حالیکه نسبت مذکور برای دو بخش کشاورزی و صنعت کاهش می یابد سرانجام بخش خدمات به بخش جذب کننده نیروی کار تبدیل می شود.

مطالعه دویل

الینور دویل^۶ (۱۹۹۷) در مطالعه خود بر این مطلب تاکید می کند که تغییرات تکنولوژیکی به عنوان یک عامل کلیدی در توضیح پیشرفت های بهره وری معرفی شده است. وی می گوید در ابتدا هنگامی که یک کشور شروع به توسعه یافتن می کند، تولید کالاها و اولیه به سمت تولیدات صنعتی تغییر جهت می یابد و سهم اشتغال بخش صنعت به سرعت افزایش یافته و بعد از مدتی این سهم تثبیت می شود. در ادامه این جریان با توسعه یافتگی بیشتر، سهم بخش خدمات در کل اشتغال مداوماً افزایش یافته و سهم اشتغال بخش صنعت رو به کاهش می گذارد.

مطالعه مجید صباغ کرمانی و رمضان جمشیدی

مجید صباغ کرمانی و رمضان جمشیدی (۱۳۸۰) بر این نکته تاکید نموده اند که بخش صنعت نقش محوری و اساسی در رشد و توسعه اقتصاد کشور دارد و توسعه بخش صنعت زمینه لازم را برای رشد و توسعه بخش کشاورزی و خدمات فراهم

28- John Cornwall and Wendy Cornwall

29-Eleanor Doyle



می آورد. نویسندگان همچنین به این نتیجه رسیده اند که امکانات بالقوه و مزیت های نسبی استانهای کشور باید اساس و مبنای اتخاذ و اعمال سیاست های اشتغال و سرمایه گذاری در آن استان باشد.

مطالعه حسین صادقی و مسعود همایونی فر

حسین صادقی و مسعود همایونی فر (۱۳۸۰)، ضمن بررسی و تحلیل نقش بخش کشاورزی در اشتغال کشور بر این نکته اشاره نموده اند که سهم اشتغال بخش کشاورزی کشور روند نزولی داشته بطوری که از ۵۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۵، کاهش پیدا کرده است. البته کاهش سهم اشتغال بخش کشاورزی و افزایش سهم اشتغال بخش صنعت در جریان توسعه امری طبیعی می باشد. همچنین بخش کشاورزی در خلال دوره بیکاری کشور، از توان لازم برای افزایش اشتغال برخوردار نبوده است.

مطالعه محسن نظری

محسن نظری (۱۳۷۷) ضمن اشاره به این مطلب که در برنامه ریزی های کلان کشور موضوع اشتغال اولویت نخست را دارد به مواردی همچون سهم بخش های دولتی و خصوصی در ایجاد اشتغال، ظرفیت اشتغال زایی، رشد بخش های و سرمایه بری هر شغل پرداخته است. نتایج به دست آمده از تحقیق فوق حاکی از این واقعیت بوده که طی سالهای ۱۳۷۰-۱۳۵۵، بخش خدمات بیشترین شغل را در کشور ایجاد نموده است. همچنین در خصوص میزان سرمایه بری هر شغل نتیجه این بوده است که بخش نفت و گاز بیشترین سرمایه را برای ایجاد شغل نیاز داشته در حالی که زیر بخش ساختمان (از گروه صنایع و معادن) پایین ترین سرمایه را برای این منظور نیاز داشته است. همچنین مقایسه بخش کشاورزی و صنعت در این زمینه نشان می دهد میزان سرمایه لازم برای ایجاد هر شغل در بخش کشاورزی بیشتر از این میزان برای بخش صنعت بوده به بیان دیگر اشتغال زایی هر واحد سرمایه گذاری در بخش صنعت در دهه مذکور بیش از بخش کشاورزی بوده است. همچنین رشد بخش کشاورزی، اثر بسیار کمتری از رشد سایر بخش ها بر اشتغال داشته است. به عبارت دیگر بخش کشاورزی توان اشتغال زایی اندکی داشته است.

مطالعه علی خزاعی

علی خزاعی (۱۳۷۷) در ارتباط با تحولات اشتغال روستایی طی دوره ۷۵-۱۳۳۵ نتیجه گرفته است که از سهم شاغلان روستایی بخش کشاورزی در دوره مذکور کاسته شده و در مقابل بر سهم شاغلان بخش های صنعت و خدمات افزوده شده است. همچنین تحولات اشتغال زایی بخش های اقتصاد روستا و اشباع اشتغال زایی بخش کشاورزی و افزایش جمعیت روستایی کشور از یک سو و گسترش تکنولوژی های سرمایه بر در کشاورزی از سوی دیگر موجب شده تا بخش کشاورزی که مهمترین بخش اشتغال زا در روستاها بوده است قدرت جذب نیروی کار خود را از دست بدهد. از دیگر نتایج این مطالعه بالا بودن سهم بخش صنعت در اشتغال روستایی کشور به ویژه زیر گروه صنایع می باشد بطوری که علاوه بر این سهم بالا، مشاغل آن در دهه ۷۵-۶۵ افزایش قابل توجهی داشته است. بنابراین دولت با اتخاذ سیاست های مناسب با حمایت از صنایع روستایی (مانند صنایع نساجی، پوشاک و چرم، صنایع تبدیلی و...) می تواند اشتغال در روستاها را گسترش دهد.



همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

جدول شماره ۱

سال	سهم نسبی بخش کشاورزی از کل اشتغال	سهم نسبی بخش صنعت از کل اشتغال	تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ (هزار ریال)
۱۳۴۵	۰/۴۹۸	۰/۲۴۷	۱۵۸/۶
۱۳۴۶	۰/۴۹۱	۰/۲۵۱	۱۸۱/۲
۱۳۴۷	۰/۴۸۵	۰/۲۵۳	۱۸۷/۶
۱۳۴۸	۰/۴۷۸	۰/۲۵۵	۲۰۵/۷
۱۳۴۹	۰/۴۷۱	۰/۲۵۸	۲۲۰/۶
۱۳۵۰	۰/۴۶۳	۰/۲۶۱	۲۴۸/۵
۱۳۵۱	۰/۴۵۲	۰/۲۶۷	۲۸۳/۹
۱۳۵۲	۰/۴۳۸	۰/۲۷۶	۳۱۰/۸
۱۳۵۳	۰/۴۲۴	۰/۲۸۲	۳۳۶/۳
۱۳۵۴	۰/۴۰۷	۰/۲۹۴	۳۴۲/۹
۱۳۵۵	۰/۳۸۲	۰/۳۲۰	۳۸۹/۶
۱۳۵۶	۰/۳۷۶	۰/۳۱۲	۳۶۶/۹
۱۳۵۷	۰/۳۷۰	۰/۳۰۵	۳۱۴/۴
۱۳۵۸	۰/۳۵۷	۰/۳۰۸	۲۸۶/۷
۱۳۵۹	۰/۳۵۱	۰/۲۹۵	۲۳۴/۹
۱۳۶۰	۰/۳۴۷	۰/۲۸۰	۲۲۱/۲
۱۳۶۱	۰/۳۳۶	۰/۲۷۴	۲۴۳/۶
۱۳۶۲	۰/۳۲۱	۰/۲۶۹	۲۶۱/۳
۱۳۶۳	۰/۳۰۸	۰/۲۶۶	۲۵۱/۶
۱۳۶۴	۰/۲۹۸	۰/۲۶۱	۲۴۶/۴
۱۳۶۵	۰/۲۸۹	۰/۲۵۶	۲۱۶/۳
۱۳۶۶	۰/۲۸۱	۰/۲۵۸	۲۱۱/۹
۱۳۶۷	۰/۲۷۶	۰/۲۵۴	۱۹۹/۶
۱۳۶۸	۰/۲۶۸	۰/۲۵۷	۲۰۳/۱
۱۳۶۹	۰/۲۵۸	۰/۲۶۳	۲۳۷/۵
۱۳۷۰	۰/۲۴۶	۰/۲۷۷	۲۴۸/۱
۱۳۷۱	۰/۲۴۲	۰/۲۸۳	۲۵۶/۷
۱۳۷۲	۰/۲۴۱	۰/۲۸۳	۲۵۷/۱
۱۳۷۳	۰/۲۳۸	۰/۲۸۸	۲۶۱/۳
۱۳۷۴	۰/۲۳۶	۰/۲۹۶	۲۶۸/۹
۱۳۷۵	۰/۲۳۰	۰/۳۰۷	۲۶۸/۹
۱۳۷۶	۰/۲۳۰	۰/۳۰۵	۲۷۳/۷
۱۳۷۷	۰/۲۳۲	۰/۲۹۹	۲۷۴/۹

مأخذ: مرکز آمار ایران - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجله برنامه و بودجه، سال پنجم، شماره ۳، تیرماه ۱۳۷۹

صفحه ۵۴، محاسبات محقق



تجزیه و تحلیل موضوع

بر اساس آنچه در مباحث مربوط به ادبیات نظری و تجربی مطرح شد بخش صنعت در مقایسه با بخش کشاورزی توان بیشتری در جذب نیروی کار و کاهش نرخ بیکاری دارد. در جدول شماره ۱ اطلاعات مربوط به سهم نسبی اشتغال بخش های صنعت و کشاورزی و همچنین تولید ناخالص داخلی سرانه در دوره ۷۷-۱۳۴۵ آمده است همانگونه که ملاحظه می شود در تمام دوره مورد بررسی سهم نسبی بخش کشاورزی از کل اشتغال کاهش یافته و این در حالی است که بعد از انقلاب اسلامی درآمد سرانه دچار نوسان بوده به این صورت که از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۶۷ این رقم روند نزولی داشته و از سال ۱۳۶۸ به بعد مجدداً روند صعودی به خود می گیرد و بنابر این آنچه در قسمت های قبل در خصوص کاهش سهم نسبی اشتغال بخش کشاورزی مطرح گردید با شرایط اقتصاد ایران همخوانی دارد اما در رابطه با بخش صنعت اطلاعات جدول حکایت از آن دارد که با افزایش درآمد سرانه در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (یعنی دوره ۱۳۵۶-۱۳۴۵)، سهم نسبی اشتغال بخش صنعت سیر صعودی دارد و در واقع وضعیتی را به نمایش می گذارد که با نظریه تغییرات ساختاری سازگار و با توجه به تحلیل های قبل انتظار آن می رفت، برای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روند مذکور مسیر عکس به خود می گیرد و تا پایان جنگ تحمیلی ادامه می یابد که احتمالاً توجیه این وضعیت را باید از یک طرف در پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی شامل تحریم اقتصادی و قطع یا کاهش مواد اولیه و قطعات برای صنایع کشور، فرار برخی از صاحبان صنایع به خارج و وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و از سوی دیگر در کاهش درآمد سرانه در مقطع ۱۳۶۷-۱۳۵۷ جستجو نمود. اما با پایان یافتن جنگ یعنی از سال ۱۳۶۸ به بعد و عادی تر شدن اوضاع اقتصادی مشاهده می کنیم که مجدداً سهم نسبی اشتغال بخش صنعت روند صعودی پیدا می کند و این خود به این معناست که در مقایسه با بخش کشاورزی، بخش صنعت نقش موثرتری در کاهش بیکاری بر عهده داشته است. بنابراین توجه و سرمایه گذاری بیشتر در بخش صنعت از جمله صناعی که در بخش تجارت خارجی می توانند فعال باشند، اصلی ترین سیاست برای افزایش نرخ اشتغال کشور در بلند مدت و حتی میان مدت می باشد. همچنین به منظور تعیین تاثیر متغیرهای نرخ رشد جمعیت و نرخ رشد اشتغال در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات بر تغییر نرخ بیکاری اقتصاد در ایران، معادله اقتصاد سنجی مربوطه برآورد و آزمون های آماری لازم انجام و نتیجه این بود که طی دوره مورد بررسی رشد اشتغال در بخش خدمات بطور معنی داری باعث کاهش نرخ بیکاری در ایران شده است.

از سوی دیگر رابطه رگرسیونی میان نرخ بیکاری و نرخ رشد ارزش افزوده بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات تخمین زده شد و نتیجه این بود که در طول دوره مورد بررسی افزایش در رشد ارزش افزوده بخش خدمات قادر بوده نرخ بیکاری در کشور را کاهش دهد.



نتیجه گیری

- ۱- اهمیت نسبی بخش صنعت در رشد اقتصادی و رشد اشتغال بیشتر می باشد و بهره وری بخش صنعت نسبت به دیگر بخش ها بالاتر بوده و با انتقال نیروی کار به بخش صنعت، رشد بهره روی کل اقتصاد شتاب می گیرد به عبارت دیگر بخش صنعت در مقایسه با دیگر بخش ها هم نقش موثرتری در رشد اقتصادی دارد و هم در جذب نیروی کار
- ۲- با افزایش درآمد سرانه در دوره قبل از انقلاب اسلامی سهم نسبی اشتغال بخش کشاورزی از کل اشتغال کاهش، در حالیکه سهم نسبی بخش صنعت از کل اشتغال سیر صعودی داشته است. اما برای سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود ادامه روند نزولی سهم نسبی اشتغال بخش کشاورزی، بخش صنعت در این خصوص روند مورد انتظار را نشان نداده اما برای سالهای پس از جنگ تحمیلی و عادی تر شدن اوضاع اقتصادی این روند صعودی می شود.
- ۳- رشد اشتغال، در بخش خدمات در دوره مورد بررسی بطور موثر و معنی داری باعث کاهش نرخ بیکاری گردیده است. همچنین به دلیل بهره وری بالاتر در بخش صنعت، توسعه و گسترش این بخش منجر به افزایش درآمد می گردد که این امر به دنبال خود افزایش تقاضای کل و در نتیجه افزایش اشتغال در بخش خدمات را موجب خواهد گردید.
- ۴- رشد ارزش افزوده بخش خدمات نقش موثرتری در کاهش نرخ بیکاری در دوره مورد بررسی برای اقتصاد ایران داشته است.

پیشنهادهات

نظر به اینکه ایجاد فرصت های شغلی در بخش های سه گانه اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) نیاز به سرمایه گذاری دارد و خوشبختانه در حال حاضر با افزایش قیمت جهانی نفت و افزایش درآمدهای ارزی کشور، امکان افزایش سرمایه گذاری ها برای ایجاد شغل در کشور فراهم آمده است، پیشنهادهات زیر ارائه می گردد:

- ۱- با توجه به توان اشتغال زایی بخش های مختلف، اولویت انجام سرمایه گذاری به ترتیب بخش صنعت، بخش خدمات و بخش کشاورزی می باشد.
- ۲- این سرمایه گذاری ها بویژه در بخش صنعت می تواند در بخش دولتی مانند سرمایه گذاری در صنایع بزرگ و صنایع مادر (پالایشگاه ها و مجتمع های پتروشیمی و...) صورت گیرد و پس از شکل گیری و ثبات به بخش خصوصی واگذار گردد. همچنین دولت می تواند وام و اعتبارات لازم را در اختیار بخش خصوصی برای ایجاد واحدهای صنعتی متوسط و کوچک قرار دهد.
- ۳- در بخش های کشاورزی و خدمات دولت می تواند با اعطای وام و اعتبار به بخش خصوصی موجبات افزایش فرصت های شغلی را فراهم آورد. بویژه در فعالیت هایی که با توجه به مزیت های نسبی در بخش تجارت خارجی می تواند فعال باشند.



فهرست منابع و مأخذ

الف- فهرست منابع فارسی

- خزاعی، علی، (۱۳۷۷)، بررسی تحولات اشتغال روستایی و راههای گسترش آن، تهران، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱.
- سازمان برنامه و بودجه، بسته نرم افزای PDS، تهران مؤسسه آموزش عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۶)، مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی تا سال ۱۳۷۵، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.
- صادقی، حسین و همایونی فر، مسعود، (۱۳۸۰)، نقش کشاورزی در تأمین اشتغال و کاهش بیکاری، تهران- مجله پژوهشی پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- صباغ کرمانی، مجید و جمشیدی، رمضان، (۱۳۸۰)، تحلیل روند رشد اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت در استانهای مختلف ایران، تهران- مجله پژوهشی پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- کوزنتس، سایمون، (۱۳۷۲)، چاپ اول، رشد نوین اقتصادی، ترجمه دکتر مرتضی قره باغیان، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نظری، محسن، (۱۳۷۷)، مشخصه های تحول بازار نیروی کار ایران در چهار دهه اخیر (۱۳۷۵-۱۳۳۵)، تهران، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱.
- یحیی آبادی، ابوالفضل، (۱۳۸۱)، تحلیل نظری و تجربی تغییرات ساختاری و تاثیر آن بر اشتغال در ایران، رساله دکتری اقتصاد.

ب- فهرست منابع انگلیسی

- Andrew Glyn and Bob Rowthorn, (1988). West European Unemployment: Corporatism and Structural Change, American Economic Review, Vol.78.No.2
- Chenery H.B and Srinivasan (eds), (1989). Handbook of -Chin-Lih wang, Juh-Luh Sun and Tein-chen Chou, (1992). Sources of Economic Growth and Strucural Change, Journal of Development Economic 38(1992). North Holland.
- Eleanor Doyle, (1997), Structural Change In Ireland, Journal of Economic Studies, Vol 24, Nos, 1/2.
- Jhon Cornwall and Wendy Cornwall, (1994), Growth Theory and Economic Structure, Economic.